

زه هم‌کلام شدیم؛ الهه آخرتی

# هوسنی نداریم



عکس‌ها: فاطمه‌سادات میراحمدی

**شخصیت حاج عماد را پیدا می‌کند؟ حاج عماد کتاب شما چه ویژگی‌هایی دارد؟**

من خودم را از این کتاب حذف کرده‌ام. اطلاعاتی که اینجا آمده در تصور من نبود و با ذهنیت دیگری به لبنان رفته بودم. سعی کردم اطلاعاتی که درست است را در کتاب بیاورم. اینجا روی شیعی بودن حاج عماد مانور می‌دهند درحالی‌که خود او این کار را انجام نمی‌داد و عقیده داشت در میدانی که اسرائیل جلوی ما ایستاده، شیعه و سنی نداریم. رمضان عبدا... درباره او حرفی می‌زند و می‌گوید: «عماد از هر سنی، شیعه‌تر بود و از هر شیعه‌ای، سنی‌تر بود». حاج عماد با این دیدگاه جلو می‌رفت. بحث شیعه و سنی نداشت و با موازین اصلی دین اسلام پیش می‌رفت.

فلسطینی‌ها بعد از جنگ ۳۳ روزه به حاج عماد پیشنهاد می‌دهند که حزب... فلسطین برنیم و منظور شیعیان فلسطین بودند. بعد از اتفاقاتی که در لبنان رخ می‌دهد، تعداد زیادی فلسطینی شیعه می‌شوند و به این نتیجه می‌رسند که ۷۰ سال است با اسرائیل می‌جنگیم و به جایی نرسیده‌ایم، اگر اینها با این دستور نتیجه گرفته‌اند، پس دستورالعمل آنها درست است. ولی حاج عماد با این ایده‌ها مخالفت می‌کند و می‌گوید: «ما چرا از مذهبی نکنید، بگذارید ملی بماند و فلسطین فلسطین بماند و تمام فلسطینی‌ها در کنار هم باقی بمانند.»

من سعی کردم در کتاب نباشم و آن چیزی که از حاج عماد پیدا می‌کنم را بنویسم در مقدمه کار ذکر کرده‌ام که عماد مغنیه دریایی است که عمق ندارد؛ چون اصول زندگی او همانی است که حزب... براساس آن عمل می‌کند، نمی‌توانیم مطالب زیادی درباره او بگوییم و شاید این بیشتر از مطالبی باشد که درباره حاج قاسم نمی‌توانیم بگوییم. حساسیت آنجا بیشتر است به قول سعید قاسمی که مصاحبه ایشان در کتاب است به لبنان، بهشت جاسوس‌ها می‌گویند. در کتاب آمده است که فردی که موجب به شهادت رسیدن برادر دوم حاج عماد می‌شود، همان کسی بود که چند سال پیش با اسرائیل می‌جنگیده، یعنی به این راحتی فردی به خاطر پول به ضد خودش تبدیل می‌شود. ابتدا قرار بود حاج عماد به آن جلسه برود ولی برادرش به جای

او می‌رود و به شهادت می‌رسد.

تا سال گذشته که کار بسته شد، آن مقدار اطلاعاتی که می‌شد درمورد حاج عماد منتشر کرد، در کتاب آمد و چیزی نیست که در این کتاب نباشد مگر این‌که یا گفته نشده یا سری و طبقه‌بندی شده بوده است.

**خانواده حاج عماد بعد از شهادت ایشان چقدر امنیت داشتند و دارند؟**

امنیت دارند و مسأله به آن شکل نیست. خانواده مغنیه گرفتاری ندارند و راحت زندگی می‌کنند. پسران ایشان تصاویر خود را منتشر نمی‌کنند؛ چون همه در حزب... فعال هستند. حتی شهادت جهاد مغنیه به این صورت نبود که او را بزنند بلکه تیمی را زدند که برای عملیات رفته بود. نفر اصلی که زدند، ابو عیسی بود که فرماندهی آن تیم را برعهده داشت. همین‌طور فرمانده ایرانی آن عملیات را زدند. بعد متوجه شدند که جهاد هم در آن ماشین است، هدف جهاد نبود.

**آیا حسی که بعد از شهادت عماد مغنیه در ایران به راه افتاد را در لبنان هم حس کردید؟**

بله، در لبنان حاج عماد بسیار بزرگ است. سمیر قنطار می‌گوید: «لبنانی‌ها فکر می‌کردند عماد مغنیه‌ای وجود ندارد و حزب... تمام دستاوردها را به نام او می‌زند تا اسرائیل را بترساند». چنین ذهنیتی وجود داشت ولی بعد متوجه شدند شخصیتی به این نام وجود خارجی داشته و چندین سال از خطر گریخته بود. اسرائیل تصاویر زیادی منتشر می‌کرد و می‌گفت این عماد مغنیه است، ولی هیچ تصویری درست نبود.

حتی گفته می‌شد عماد مغنیه برای شناخته نشدن جراحی پلاستیک انجام می‌دهد اما انیس نقاش گفت عماد مغنیه در زمان شهادتش هم همان پسرپچه ۱۵ ساله‌ای بود که می‌شناختم و تغییری نکرده بود. این شایعات توسط اسرائیل برای جبران ضعفش منتشر می‌شد.

**روایتی وجود دارد که می‌گوید «عماد مغنیه از روند زندگی امنیتی‌اش خسته شده بود» به این تعبیر که گویی خود او به این اتفاق راضی شده بود.**

بله این را گفته بودند که شما در آن جلسه که به مناسبت ۲۲ بهمن ایران برگزار شده، شرکت نکنید. حاج عماد در ۲۳ بهمن شهید

## «عماد مغنیه» آتش به اختیار بود



**اوج زندگی حاج عماد را چه دورانی می‌دانید؟**

به نظر من عماد مغنیه انسانی آتش به اختیار بود که با دست خالی شروع می‌کند و این دست خالی را نقطه ضعف نمی‌داند. او می‌گوید: «من با همین دست خالی می‌روم تا برسم» و از هیچ، همه چیز می‌سازد. این ویژگی او بسیار مهم است.

**آیا عماد مغنیه کسانی را برای جایگزین شدن تربیت کرده بود؟**

این کار حاج عماد بود، حزب... لبنان به خوبی از عهده این کار برآمد. به عنوان عملیات رضوان دوره‌های آموزشی برگزار می‌کرد. سید حسن نصر... بعد از شهادت حاج عماد گفت: «او ده‌ها هزار عماد مغنیه به جا گذاشته است و این بلوف نبود.» جوری فرمانده و جایگزین برای تمام ارکان تربیت کرده بود که اگر روزی نیرویی در حزب... حذف شد، فوراً جایگزینی برای او معرفی شود. این نکته در کتاب آمده است. او به نیروهای حزب... گفته بود: «هر کسی باید یک جانشین برای خودش تربیت کند تا هیچ جای خالی نماند و نبود کسی خود را نشان ندهد.» این اتفاق رخ داد، وقتی

می‌شود. به ایشان اخطار داده شده بود که از نظر امنیتی درست نیست شما در این جلسه شرکت کنید ولی ایشان به آن جلسه می‌روند و همان جلسه روز شهادت ایشان بود.

**مسیر تبلیغ این کتاب هم آسان نیست برای معرفی اثر چه کرده‌اید؟**

به جز پست و استوری اینستاگرام، هیچ کاری نکرده‌ام. محدودیت‌های اینستاگرام هم شدیداًست طرح جلد را استوری کردم که پس از ۲۲ ساعت حذف شد. نه می‌شود در مورد آن پستی نوشت نه استوری گذاشت. وقتی صفحه حاج عماد به ۳۲ هزار فالوئر رسیده بود، توسط اینستاگرام حذف شد. صفحه دوم را ایجاد کردم و آن صفحه را در سه روز حذف کردند.

**در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟**

سفرنامه بوسنی را به سوره مهر تحویل داده‌ام. در سال ۱۴۰۱ به مارش میرا رفته بودم. قواعد را کمی به هم زده‌ام کار، سفرنامه است، ولی قبل منطقه و حوادث پیشینی را پررنگ کرده‌ام. در مورد این موضوع منابع کم است، راه دور است و دسترسی ساده نیست. بعد دیگر کتاب این است که آن قدر که سفرنامه از پس ماجرا برمی‌آید و نه در حد یک زندگینامه، به شهید رسول اشاره کنم. این ماجرا برای من مهم بود. بعد از حاج قاسم این بحث را داشتیم که حاج قاسم یکی بود و دیگر نیست، این اتفاق بدی است و حس بدی به مردم می‌دهد. ولی ما قبل از حاج قاسم، شهید رسول را داشتیم که آن زمان تشخیص می‌داد که ما باید به بوسنی برویم و برای او مهم نبود که آنها سنی و اروپایی هستند. ما باید به مردم بگوییم همیشه حاج قاسم‌ها داشته و داریم و بازهم خواهیم داشت.

از پسر شهید رسول کمک زیادی گرفتم کتاب الان در دست ایشان است. به موضوع اشراف کامل دارند و سال‌ها در این حوزه کار کرده‌اند.

**در حال نوشتن چه کتابی هستید؟**

کتاب شهید فریدالدین معصومی، نخبه‌ای که در شاهچراغ شهید شد. این کتاب برای من جالب بود؛ تابه حال در مورد شهیدی که نخبه علمی باشد؛ کار نکرده بودم. شهید خانواده قشنگی دارد. مصاحبه‌های این کار تمام شده، ولی هنوز فرم نهایی کتاب و قالب اثر را پیدا نکرده‌ام.

حزب... وارد سوریه شد، این ابهام وجود داشت که آیا حزب... بی‌عماد مغنیه می‌تواند عملکرد سابق را داشته باشد؟! ولی حزب... نشان داد همان است و توانست.

**بعد از عماد مغنیه چه کسی در حزب... پررنگ‌ترین فرمانده بود؟**

بعد از او مصطفی بدرالدین بود که در سوریه شهید شد. یکی از کارهای جالب حزب... این بود که نفر، فرمانده نبود و شورای فرماندهی داشتند که همین کمک می‌کرد اگر کسی از میان آنها حذف شد، ساختار فرونریزد ولی عماد مغنیه استثنا بود. حتی شهید مصطفی بدرالدین که انسان بزرگی بود و این دو نفر دو کفه ترازوی حزب... بودند و با هم کار می‌کردند، باز با عماد مغنیه قابل مقایسه نبود. حاج عماد شخصیت متفاوتی داشت.

